

دولت گشایش

عملکرد یک ساله پزشکيان تاب آوری ملی را افزایش داد

[غلامرضا ظریفیان]

[استادیار بازنشسته تاریخ دانشگاه تهران]



یکی از راه‌های پاسخ به این پرسش که «اگر مسعود پزشکيان رئيس جمهوری نمی‌شد چه اتفاقاتی رخ می‌داد و چه وضعیت جایگزینی قابل تصور بود»، این است که به وضعیت محتمل در صورت ریاست جمهوری هر یک از رقبای عمده او بپردازیم. نمی‌توان برای این نوع تصور ماهیت یقینی قائل بود، اما می‌تواند بر اساس ویژگی‌های هر یک از رقبای قابل تأمل باشد. همچنین این بررسی احتمالات، جدای از اثر مشکلات انباشتی و تاریخی بویژه در دهه‌های اخیر است که بر عملکرد و تصمیمات هر دولتی به نحوی خود را تحمیل می‌کرد و می‌کند.

از باب مثال، فرض را بگذاریم بر اینکه شرایط به نحوی پیش می‌رفت که محمد باقر قالیباف به دور دوم می‌آمد و در رقابت به پیروزی می‌رسید. در آن صورت ما با نوعی اصولگرایی پراگماتیست و متکی بر عمل مواجه بودیم. یعنی آن اصولگرایی که دارای نوعی نگاه توسعه‌گرا مبتنی بر اصولگرایی معتدل است و محتمل بود که دولت تا حدی در پیوند با نگاه نیروهای کنترلی قرار گیرد. طبیعتاً در آن صورت، وضعیتی که امروز با آن مواجهیم، می‌توانست به نحوی شدت بیشتری داشته باشد. همچنان که در عرصه‌های اجتماعی نیز آن نگاه اصولگرای عملگرا گرایش‌های بسته‌تری را نسبت به دولت فعلی نمایندگی می‌کرد.

فرض دیگر این بود که قرعه فال ریاست جمهوری در رقابت با پزشکيان به نام سعید جلیلی می‌افتاد. در اینجا البته باید تأکید کنم که قصدی برای در نظر گرفتن انگیزه‌های آقای جلیلی ندارم، زیرا معتقدم قطعاً ایشان در انگیزه‌هایش مصلحت مردم را می‌خواهد. آنچه اینجا مبنای ارزیابی است، عملکرد او است، نه صرفاً انگیزه‌ها. در این رویکرد، به نظر می‌رسد نوع نگاه جلیلی کاملاً در تضاد با فهم «اکنون ایران و جامعه ایران» است. به همین دلیل تحولات داخلی و خارجی را با انگاره‌های خاصی پیگیری می‌کند که نسبت کمتری با شرایط و وضعیت امروز دارد.

در دوره‌ای که جلیلی مسئولیت مهم دبیری شورای عالی امنیت ملی و مذاکرات مربوط به پرونده هسته‌ای را بر عهده داشت، شاهد رویه «مذاکره فقط برای مذاکره» بودیم و دیدیم که آن رویه در ارتباط با نظام بین‌الملل و بحث هسته‌ای راهگشا نبود، بلکه عمدتاً به سمت بیانیه خواندن تمایل پیدا می‌کرد؛ بدون توجه به اینکه نظام بین‌الملل یک نظام ایدئولوژیک نیست، بلکه نظامی است که در آن قدرت نقش اصلی را بازی می‌کند و در

این نظام، باید با نگاه برد-برد به مسائل آن توجه کرد. به همین دلیل با بیانیه و شعار ممکن نبود با آن تعامل کرد.

در عرصه داخلی هم فضای احتمالی را باید با اتکا به نظرات و گرایش‌های جریان خاصی که از سعید جلیلی حمایت می‌کرد و نه خود او پیش‌بینی کرد؛ جریانی که در آن گشودگی اندک و کنترل، فربه است و در آن بر چهارچوب‌هایی تکیه می‌شود که چندان با واقعیات موجود همراهی ندارد. به شخصه، سعید جلیلی را فرد اخلاقی و ملتزم به الزامات دینی و اخلاقی می‌شناسم. اما در حوزه اندیشه و اجرا، مبانی فکری وی برای جامعه متنوع و متکثر ایران، جامعه‌ای که در آن گرایش‌ها و نگرش‌های فکری مختلف و رنگین‌کمانی از فرهنگ‌ها حضور جدی دارند و «مسأله ایران» در باورهای مردم عمیق است، زود به بن‌بست می‌رسید. بنابراین، به نظر من ریاست جمهوری جلیلی بیش از اینکه فرصت‌هایی را فراروی ایران قرار دهد، آن را با تهدید روبه‌رو می‌کرد. در مقابل هم جامعه متکثر و منبسط و در حال تغییر ایران در مواجهه با نگرش غیر منعطف و اکثرت‌پسند می‌داد و چالش‌ها گسترش پیدا می‌کرد.

فراموش نکنیم که یکی از دلایل اینکه رژیم اسرائیل به خود جرأت داد به ایران حمله کند؛ این تصور بود که در ایران شکاف‌های اجتماعی و سیاسی جدی وجود دارد. تصور این است که اگر یکی از رقبای پزشکيان بر سر کار می‌آمد، این شکاف‌ها تعیین‌پیدا می‌کرد یا دست‌کم تصور تعیین آن برای دشمن بیشتر می‌شد و بر همین اساس، اسرائیل زودتر و با فرصت بیشتر با ایران درگیر می‌شد. همچنین ممکن بود انسجام ملی ایجاد شده در آن شرایط با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شد.

در اینکه سعید جلیلی فردی ساده زیست، اخلاق‌مدار و دارای دردمندی برای رفع مشکلات جامعه است شکی نیست. اما این ویژگی‌ها برای بر عهده گرفتن مدیریت جامعه‌ای با مختصات جامعه ایران کافی نبود. این جامعه برای مدیریت نیازمند انسان‌های بزرگ است. حتی اینکه مسعود پزشکيان از جایگاه رئیس‌جمهوری در یک بخش‌هایی موفق نیست، به این دلیل است که موانعی وجود دارد برای اینکه او بتواند در انتخاب همه نیروهای کلیدی از انسان‌های بزرگ، توانمند و کارآمد استفاده کند.

براین اساس، باورم این است که اگر پزشکيان رئیس‌جمهوری نمی‌شد و رقیبش مسئولیت هدایت قوه مجریه را بر عهده می‌گرفت، شکاف‌های جامعه عمیق‌تر می‌شد و مسائلی که با نظام بین‌الملل داریم عمق بیشتری می‌داشت، نسبت به چیزی که امروز با آن روبه‌رو هستیم. به هر حال قابل کتمان نیست که در این دولت نیز ضعف‌هایی وجود دارد. اما با توجه به تنگناهایی که هر دولتی هم می‌آمد با آنها روبه‌رو می‌شد، در مجموع می‌توان گفت دولت مسعود پزشکيان در این یک سال توانست در عرصه‌های مختلف گشایش ایجاد کند. گشایش‌هایی که باعث شد تاب‌آوری ملی در جنگ ۱۲ روزه افزایش پیدا کند و این مطلقاً دستاورد کمی نیست. ▶

در مجموع
می‌توان گفت
دولت مسعود
پزشکيان در این
یک سال توانست
در عرصه‌های
مختلف گشایش
ایجاد کند.
گشایش‌هایی
که باعث شد
تاب‌آوری ملی
در جنگ ۱۲ روزه
افزایش پیدا
کند و این مطلقاً
دستاورد کمی
نیست



اگر
پزشکيان
نبود



برند ملی

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویژگی‌نامه